

The Role of Audit Committee Financial Expertise on The Relationship Between Real Earning Management and Narcissistic C.E.O.

Roozbeh Sardari¹, Mohammadreza Setayesh², Hamidreza Kordlouie³,
Bahman Banimahd⁴

Received: 2020/05/18
Accepted: 2020/12/20

Research Paper

Abstract

The behavior of managers that originate from their personal characteristics can influence on their financial performance at the company. Narcissism is one of the personal characteristics. When the amount of Narcissism increases, it can lead to unethical and fraudulent performance. On the other hand, the existence of an effective audit committee as a corporate finance system element can preserve profitability and minimize unexpected events in the company. The effectiveness of the audit committee is related to their financial expertise. In this study, we investigate the role of audit committee financial expertise on the relationship between narcissistic C.E.O. and real earning management. The sample used in this study consisted of 107 Companies which are listed on the Tehran Stock Exchange for 201⁹ to 201⁹. By the use of panel data analysis, the results show that audit committee financial expertise does not affect the relationship between narcissistic C.E.O. and real earning management in the patterns of cash flow from the operation, production costs, and discretionary expenses.

Keywords: Audit committee financial expertise, Real earning management, Narcissistic C.E.O.

JEL Classification: G41,M41

1. Ph.D. candidate of Accounting, Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.(sardariroozbeh@yahoo.com).

2.Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Brujerd Branch, Islamic Azad University, Brujerd, Iran.(mohammadrezasetayesh@gmail.com).

3. Associate prof., Department of Financial Management, Faculty of Management and Accounting, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran, (corresponding Author). (kordlouie@iiu.ac.ir).

4.Associate prof., Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (b_banimahd@yahoo.com).



سازمان بورس و اوراق بهادار، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال چهاردهم، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۵۰-۲۳۳

بررسی نقش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه میان خودشیفتگی

مدیر عامل و مدیریت سود واقعی

روزبه سرداری^۱، محمدرضا ستایش^۲، حمیدرضا کردلوئی^۳، بهمن بنی مهد^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

مقاله پژوهشی

چکیده

خصوصیات شخصیتی مدیران بر رفتار آنان و به تبع آن بر عملکرد مالی سازمان موثر است. خودشیفتگی نیز به عنوان یکی از جنبه‌های شخصیتی و روان‌شناختی مدیریت بر عملکرد وی در سازمان تأثیرگذار است و در صورت وجود مقدار بیش از اندازه آن در فرد منجر به اعمال غیراخلاقی و رفتار متقلبان می‌شود. وجود کمیته حسابرسی اثربخش به عنوان یکی از اجزای نظام راهبری شرکتی منجر به حفظ سودآوری و به حداقل رساندن رویدادهای غیرمنتظره می‌شود. یکی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی که نقش مهمی در کارایی دارد تخصص مالی اعضا می‌باشد. با بررسی نقش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، این تحقیق به دنبال بررسی اثر تعدیل‌کنندگی آن بر رابطه میان خودشیفتگی مدیران و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از نمونه آماری، شامل ۶۴۲ مشاهده (سال-شرکت) در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۲ است. با استفاده از تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از داده‌های پانل، نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش بیان‌کننده آن است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی نقشی بر رابطه میان خودشیفتگی مدیرعامل و مدیریت سود واقعی از طریق جریانات نقدی غیرعادی و تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی ندارد.

واژگان کلیدی: خودشیفتگی مدیرعامل، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، مدیریت سود واقعی

طبقه بندی موضوعی: G41, M41

^۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (sardariroozbeh@yahoo.com).

^۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران. (mohammadrezasetayesh@gmail.com).

^۳. دانشیار، گروه مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران، (نویسنده مسئول). (kordlouie@iiau.ac.ir).

^۴. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (b_banimahd@yahoo.com).

مقدمه

رهبری سازمانی یکی از موضوع‌هایی است که به نحوی گسترده در روان‌شناسی سازمانی مورد بحث قرار گرفته است. رهبری یکی از فرایندهای اصلی هر سازمان محسوب می‌شود. بهره‌وری سازمان به شیوه‌های رهبری مدیران آن متکی است. مدیران عامل کلیدی برای ارتقای عملکرد سازمان‌ها به شمار می‌آیند و تصمیماتی که می‌گیرند در شکست یا موفقیت سازمان‌شان تأثیرگذار است (قلی پور و همکاران، ۱۳۸۷). رفتارهای غیراخلاقی آنها می‌تواند عملکرد نامطلوب سازمان را در همه زمینه‌ها به همراه داشته باشد. دعوی حقوقی، از دست رفتن اعتبار شرکت، عدم قطعیت و اطمینان سرمایه‌گذاران و زیان‌های مالی قابل ملاحظه، تقویت مفهوم بی‌عدالتی، کاهنده تعهد کارکنان، ترویج فرهنگ غیراخلاقی و زهرآگین (سمی) در سطح سازمان از جمله اثرات مخرب آن می‌باشد. بنابراین رفتارهای مدیران که برگرفته از خصوصیات شخصیتی آنان است در محیط سازمانی بر سیر تحول، پویایی و شکوفایی سازمان تأثیر دارد (نورین نام و همکاران، ۱۳۸۰). به این ترتیب تأثیر شخصیت بر رفتار مدیران از یک سو و تأثیر رفتار مدیران بر عملکرد و گزارش‌های سازمانی از سویی دیگر، اهمیت این موضوع را آشکار می‌سازد که ویژگی‌های شخصیتی مدیران باید مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به اینکه مسئولیت تهیه و ارائه صورت‌های مالی با مدیریت شرکت بوده و از آنجائیکه روش‌های متعددی برای گزارش سود وجود دارد، مشکلات فرآیند تعیین سود بیشتر می‌شود. همه این اقلام تغییرپذیر بوده و احتمال مدیریت سود را افزایش می‌دهد.

با توجه به کمبود تحقیقات صورت گرفته در زمینه آثار ویژگی‌های شخصیتی مدیران بر عملکرد مالی شرکتها و چگونگی کاهش آثار سوء رفتارهای مدیران بر کیفیت اطلاعات مالی؛ سوال اصلی این پژوهش این است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی به عنوان یکی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی چه تأثیری بر رابطه میان خودشیفتگی مدیرعامل و مدیریت سود واقعی دارد. با توجه به نوظهور بودن موضوعات مربوط به راهبری شرکتی در کشور و همچنین تدوین دستورالعمل‌هایی در این زمینه همانند تدوین دستورالعمل منشور کمیته حسابرسی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار؛ هدف این پژوهش آگاه‌سازی قانون‌گذاران و سهامداران جهت وضع قوانین و ایجاد سازوکاری در راستای بهبود وضعیت راهبری شرکتی در شرکتها جهت جلوگیری از اقدامات منفی مدیران (ناشی از سوء رفتارهای آنها) می‌باشد. نتایج این مقاله می‌تواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با حاکمیت شرکتی و مالی رفتاری شود و همچنین می‌تواند ایده‌های جدیدی را در زمینه‌های مذکور، پیشنهاد نماید.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

در سالهای اخیر، در کشورهای توسعه یافته با توجه به گسترش عملیات بین‌المللی، تشدید فعالیتهای شرکتهای سهامی برای کسب مزایای رقابتی، افزایش بدهی‌های ناشی از خسارت به محیط زیست، نقش و تأثیر برآوردهای مدیریت در ارقام مندرج در صورتها و گزارشهای مالی، نبود مبنایی معتبر برای بررسی ادعاهای مدیریت در رابطه‌ی با کفایت ساختار کنترل داخلی از سوی حساب‌رسان مستقل، گسترش استفاده از سیستمهای رایانه‌ای و به دنبال آن، مشکلتر شدن نظارت بر کنترل این سیستمها، سبب تشدید روند ایجاد و به کارگیری کمیته‌ی حسابرسی شده است. کمیته حسابرسی در جهت ضمانت و افزایش منافع سهامداران و سرمایه گذران عمل کرده و همچنین به عنوان یک سازو کار کنترلی با هدف کاهش عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و سایر ذینفعان تشکیل می شود. کمیته‌ی حسابرسی به عنوان یک عامل موثر در افزایش مطلوبیت ارائه‌ی گزارشهای مالی همچنان به حساب می‌آید و کمیته‌ی حسابرسی اثربخش، نقشی کلیدی در پر کردن خلأ اعتباردهی که امروز در گزارشهای مالی وجود دارد، ایفا می‌نماید. این کمیته از طریق نظارت مستمر موجب می‌شود تا مدیر هم در راستای اهداف شرکت قدم برداشته و هم بیشترین تلاش ممکن در جهت منافع شرکت نماید و بالتبع عملکرد شرکت افزایش می‌یابد. این امر به نوبه خود باعث بهبود گزارش‌های مالی و شفافیت بیشتر اطلاعات و در نتیجه کاهش ریسک سرمایه گذاری می‌شود. هیئت نظارت عمومی (۱۹۹۴) معتقد است در صورتی کار کمیته حسابرسی اثربخش خواهد بود که اعضای کمیته حسابرسی در حوزه‌های حسابداری، کنترل داخلی و گزارشگری مالی متخصص باشند. طبق ماده ۵ منشور کمیته حسابرسی مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار کمیته حسابرسی از سه تا پنج عضو که اکثریت آنها مستقل و دارای تخصص مالی هستند و با انتخاب و انتصاب هیئت مدیره تشکیل می‌گردد. همچنین رئیس کمیته حسابرسی باید عضو مستقل هیئت مدیره یا عضو غیرموظف مالی هیئت مدیره باشد. از طرفی یکی از ویژگیهای شخصیتی که در بین برخی از مدیران بروز می‌کند، پدیده خودشیفتگی است. در بیشتر حالات مدیران خودشیفته در پی دستیابی به دستاوردهای بزرگ در شرکت هستند. آنان، به سمت و سوی اجرای اقدامات جسورانه استراتژیکی عملیاتی و انجام کسب و کارهای مخاطره‌آمیز سوق پیدا کرده (اولسن و همکاران^۱، ۲۰۱۴)، به نحوی که این تصمیم‌ها منتهی به سود یا زیان فراوان در پایان سال مالی، خواهد شد (چترجی و همبریک^۲، ۲۰۱۱). از این جهت، مدیران یاد شده در پی کسب بهترین عملکرد، بیشترین احتمال برای انجام فعالیتهای متقلبانه را دارند (ریجنسبیل و کامندر^۳، ۲۰۱۳). اندازه‌گیری عملکرد مالی که به عنوان بازتاب تصمیم‌های مدیران شناخته می‌شود، مکانیزمی است برای دیده شدن و مورد تحسین قرار گرفتن؛

1. Olsen et al
2. Chatterjee and Hambrick
3. Rijsenbilt and Commandeur

لذا این امر به تنهایی می‌تواند یکی از عوامل بروز خودشیفتگی در بین مدیران برای به رسمیت شناخته شدن و عزت و بزرگی مدیران باشد (آمرنیک و کرایگ^۱، ۲۰۱۰). زیرا آنها خود را به تعبیر نیچه به عنوان «مردان برتر» می‌دانند که قوانین معمول برای آنها صدق نمی‌کند (نوربرگ^۲، ۲۰۰۹). این اعتقاد می‌تواند احتمال انجام فعالیتهای غیراخلاقی مانند مدیریت سود را بیشتر کرده و توجیهی برای فعالیتهای آنان باشد (زیگلیدوپولوس^۳، ۲۰۰۹). کمیته‌ی حسابرسی، می‌تواند مدیریت ارشد واحد اقتصادی را کنترل کند و به عنوان بازدارنده‌ی مدیریت از زیرپاگذاری کنترل‌های داخلی، از جمله ممانعت از تقلب مدیریت، نقشی موثر ایفا می‌کند (ارباب سلیمانی و نفری، ۱۳۷۸). در نتیجه کمیته حسابرسی با کنترل اقدامات مدیریت، به دنبال افزایش اثربخشی و بهره‌وری در وضعیت مالی است. لذا انتظار می‌رود وجود یک سیستم راهبری قوی در شرکتها منجر به کاهش اعمال متقلبانه مدیر و به دنبال افزایش کیفیت اطلاعات مالی ارائه شده توسط شرکتها شود.

پیشینه تحقیق

زبدی^۴ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه میان خودشیفتگی مدیران و نحوه (لحن) اعلان سود پرداختند. بررسی آنها نشان داد که مدیران خودشیفته از کلمات مثبت و خوشبینانه‌تری در هنگام اعلام سود (در گزارش فعالیت خود) استفاده می‌نمایند. همچنین آنها یافتند که با بالا رفتن سن مدیران خودشیفته، از میزان این کلمات مثبت کاسته می‌شود.

پترنکو^۵ و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی نقش تعدیلی خودشیفتگی مدیران در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی بیان داشتند که در وهله اول خودشیفتگی مدیران باعث افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتها شده و در وهله دوم، خودشیفتگی مدیران باعث تعدیل معنادار رابطه بین مسئولیت-پذیری اجتماعی و عملکرد مالی خواهد شد.

کیبیا^۶ و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین استقلال و تخصص اعضای کمیته حسابرسی، مالکیت و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد که اقدامات نظارتی کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر می‌گذارد.

جود^۷ و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که خودشیفتگی مدیران منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی و این امر به نوبه خود باعث افزایش در حق‌الزحمه حسابرسان مستقل خواهد شد.

1. Amernic and Craig
2. Norberg
3. Zyglidopoulos et al
4. Zebedee et al
5. Petrenko et al
6. Kibiya et al
7. Judd et al

عبداله و وان حوسین^۱ (۲۰۱۵) رابطه منفی و معناداری میان مدیریت سود واقعی با تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی یافتند در حالی که گارون^۲ (۲۰۱۵) ارتباط معناداری بین این دو نیافتند. سوسانتو^۳ (۲۰۱۴) یافت نمود تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی ارتباط معنی داری بر مدیریت سود ندارد. پژوهش آنها بیان نمود که وجود تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی تنها در جهت رعایت الزام قانونی صورت می پذیرد.

اولسن و همکاران (۲۰۱۴) نیز در مطالعه ای تحت عنوان "خودشیفتگی مدیران و حسابداری" با بررسی ۱۱۱۸ مشاهده در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰ به این نتیجه رسیدند که خودشیفتگی در بین مدیران رابطه مستقیم و معناداری با سود هر سهم و قیمت سهام به عنوان دو عامل کلیدی عملکرد مالی دارد. زیرا، مدیران خودشیفته برای نمایش عملکرد مالی مطلوب بیشتر در پی افزایش گزارش سود هر سهم از طریق دستکاری فعالیت های واقعی و عملیاتی نسبت به دستکاری اقلام تعهدی هستند. همچنین آنها یافتند که مدیران خودشیفته ترجیح می دهند بیشتر از طریق اقلام واقعی دست به مدیریت سود زنند تا از طریق اقلام تعهدی.

ریجسنبیل^۴ (۲۰۱۱) یک رابطه معنی داری میان تقلبات گزارش شده و میزان ابعاد مختلف مدیران خودشیفته یافت.

نیل^۵ (۲۰۰۶) یافتند که رابطه منفی معنی داری میان تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (در زمانیکه اعضا دارای تخصص حسابداری باشند) و مدیریت سود وجود دارد.

فخاری و رضایی (۱۳۹۷) دریافتند که بین وجود کمیته حسابرسی و محیط اطلاعاتی شرکت رابطه مثبت و معناداری برقرار است. به بیان دیگر، با استقرار کمیته حسابرسی در شرکتها، محیط اطلاعاتی آنها شفاف تر شده و مقدار شاخص محیط اطلاعاتی افزایش یافته است.

خواجهوی و همکاران (۱۳۹۷) طی مطالعه ای به بررسی نقش تعدیل کنندگی خودشیفتگی مدیران در تبیین رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد مالی ۵۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای بازه زمانی ۱۳۸۲-۱۳۹۳ پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که با افزایش سطح خودشیفتگی در بین مدیران، گرایش آنان به مسئولیت پذیری اجتماعی به دلایلی چون: تأیید، تصدیق و تشویق از سوی ذینفعان و همچنین حفظ و ارتقای جایگاه خویش، بیشتر خواهد کرد. ازسویی، مدیران خودشیفته به دلیل آنکه درصدد نمایش خود به عنوان فردی باقابلیت، شایسته و مورداعتماد به هیأت مدیره، سهامداران،

1. Abdullah & Wan Hussin

2. Garven

3. Susanto

4. Rijsenbilt

5. Neal

اعتباردهندگان هستند، لذا سعی بر این دارند تا در کوتاه مدت عملکرد مالی شرکت را با استفاده از ترندهای مختلف (مانند مدیریت سود) مطلوب جلوه دهند.

تأیید نقدری و صادقی (۱۳۹۷) دریافتند که هرچه قدر استقلال و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بیشتر باشد، تغییرات در صورت وضعیت مالی شرکت ها کمتر می شود و مدیران کمتر اقدام به تصمیماتی در راستای منافع خود می نمایند و اندازه کمیته حسابرسی به تنهایی دلیلی برای کاهش تغییرات صورت های مالی نبوده و بازدارنده خوبی برای تصمیمات مدیران نیست.

عبدلی و امیری اسفندقه (۱۳۹۵)، ارتباط بین اطمینان بیش از حد مدیران و پیشبینی سودمدیریت را بررسی کردند، نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین بیش اطمینانی مدیریت و دقت پیشبینی سود توسط مدیریت رابطه منفی و معنی داری وجود دارد و این پدیده روانشناسی موجب افزایش در فراوانی پیشبینی سود در شرکت می شود. همچنین نتایج نشان داد که بیش اطمینانی مدیریت باعث افزایش تعدیل مثبت سود پیشبینی شده نسبت به تعدیل منفی سودپیشبینی شده می شود، به این صورت که مدیرانی که دچار بیش اطمینانی هستند، تعدیل مثبت سودپیشبینی شده بیشتری دارند.

بلو و حسنی القار (۱۳۹۴) نشان دادند که بیش اطمینانی مدیریت به طورمعناداری به افزایش هموارسازی سود کشیده می شود. همچنین یافته های آنها نشان داد در شرکتهای با ریسک سیستماتیک بالاتر، احتمال هموارسازی سود بیشتر است.

سپاسی و کاظم پور (۱۳۹۴)، رابطه بین وجود کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی با هموارسازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بررسی کرد و برای اندازه گیری هموارسازی سود از اقلام تعهدی اختیاری که بر اساس مدل تعدیل شده جونز محاسبه شده است، استفاده نمود. نتایج نشان داد که بین وجود کمیته حسابرسی و حسابرس داخلی با هموارسازی سود رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر نتایج حاکی از آن بودند که بین تعداد اعضای کمیته حسابرسی و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود ندارد.

نیری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۰ به روش حذفی سیستماتیک از بین جامعه مورد نظر پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین مدیریت سود و حسابرسی داخلی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد در صورتیکه ارتباطی بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود مشاهده نگردید.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی نقش مهمی در کاهش اثر خودشیفتگی مدیرعامل بر مدیریت سود از طریق جریان نقد عملیاتی غیرعادی دارد.

فرضیه دوم: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی نقش مهمی در کاهش اثر خودشیفتگی مدیرعامل بر مدیریت سود از طریق هزینه های تولید غیرعادی دارد.

فرضیه سوم: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی نقش مهمی در کاهش اثر خودشیفتگی مدیرعامل بر مدیریت سود از طریق هزینه های اختیاری غیرعادی دارد.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع علی پس رویدادی بوده و از نظر روش، پژوهش توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیونی است که در آن، از تحلیل داده های ترکیبی و ادغام استفاده شده است. داده های مورد نیاز از لوح فشرده تدبیر پرداز و سایت کدال جمع آوری شده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار Eviews انجام شده است.

جامعه آماری تحقیق را کلیه شرکت های فعال بورس اوراق بهادار تهران که اطلاعات مالی ارائه می کنند، تشکیل می دهد. دوره زمانی تحقیق ۶ سال و از ۹۲ تا ۹۷ می باشد. برای انتخاب حجم نمونه در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. پس از اعمال محدودیت های تعیین شده زیر در انتخاب جامعه آماری، باقیمانده شرکتها به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند؛ که این تعداد ۱۰۷ شرکت است.

- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- طی دوره زمانی تحقیق تغییر سال مالی و توقف عملیات نداشته باشد.
- اطلاعات و صورتهای مالی و یادداشت های همراه شرکتها در بازه زمانی مذکور به گونه کامل در سایت بورس اوراق بهادار موجود باشد.
- جزء شرکت های فعال در حوزه فعالیتهای مالی، از جمله شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها، لیزینگ، بیمه ها و موسسات مالی نباشند.
- تاریخ تشکیل کمیته حسابرسی در سال ۹۲ و یا قبل از آن باشد.
- الگوی پژوهش

با استفاده از مدلهای ذیل فرضیه های تحقیق آزمون خواهد شد.

مدل (۱)

$$REM(CFO)_{it} = \beta_0 + \beta_1 NARCS_{it} + \beta_2 ACEXP_{it} + \beta_3 NARCS_{it} * ACEXP_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 TENURE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$REM(Prod. Costs)_{it} = \beta_0 + \beta_1 NARCS_{it} + \beta_2 ACEXP_{it} + \beta_3 NARCS_{it} * ACEXP_{it} + \sum \beta_4 LEV_{it} + \sum \beta_5 SIZE_{it} + \sum \beta_6 MTB_{it} + \sum \beta_7 TENURE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)

$$REM(Disc. EXP)_{it} = \beta_0 + \beta_1 NARCS_{it} + \beta_2 ACEXP_{it} + \beta_3 NARCS_{it} * ACEXP_{it} + \sum \beta_4 LEV_{it} + \sum \beta_5 SIZE_{it} + \sum \beta_6 MTB_{it} + \sum \beta_7 TENURE_{it} + \varepsilon_{it}$$

نحوه اندازه گیری متغیرها

✓ مدیریت سود واقعی

REM مدیریت سود واقعی است. این متغیر شامل جریان‌های نقدی غیرعادی ($REM(CFO)$)، تولید غیرعادی ($REM(Prod. Costs)$) و هزینه‌های اختیاری غیرعادی ($REM(Disc. EXP)$) می‌باشد. مشابه پژوهش‌های رویچادوری (۲۰۰۶)، یو (۲۰۰۸)، ژانگ (۲۰۰۸) و فخاری و عدیلی (۱۳۹۱)، به ترتیب از مدل‌های زیر برای تخمین جریان‌های نقدی غیرعادی، تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی استفاده می‌شود، به گونه‌ای که باقیمانده این مدل‌ها بعنوان معیاری برای مدیریت سود از طریق ارقام واقعی در نظر گرفته می‌شود.

الف: جریان نقد عملیاتی غیرعادی:

$$CFO_{it}/A_{it-1} = \alpha_0 + \alpha_1/A_{it-1} + \beta_1(S_{it}/A_{it-1}) + \beta_2(\Delta S_{it}/A_{it-1}) + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۴)}$$

CFO_{it} جریان نقد عملیاتی، A_{it-1} : کل داراییها در ابتدای دوره، S_{it} : فروش، ΔS_{it} : تغییرات فروش، ε_{it} : مقدار خطا (جریان نقد عملیاتی غیرعادی).

ب: هزینه های تولید غیرعادی:

$$PROD_{it}/A_{it-1} = \alpha_0 + \alpha_1/A_{it-1} + \beta_1(S_{it}/A_{it-1}) + \beta_2(\Delta S_{it}/A_{it-1}) + \beta_3(\Delta S_{it-1}/A_{it-1}) + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۵)}$$

$PROD_{it}$: بهای تمام شده کالای فروش رفته، ε_{it} : مقدار خطا (هزینه تولید غیرعادی).

ج: هزینه های اختیاری غیرعادی:

$$DISEXP_{it}/A_{it-1} = \alpha_0 + \alpha_1/A_{it-1} + \beta_1(S_{it}/A_{it-1}) + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۶)}$$

$DISEXP_{it}$: جمع هزینه‌های توزیع، عمومی و فروش، ε_{it} : مقدار خطا (هزینه های اختیاری غیرعادی).

NARCS ✓

NARCS خودشیفتگی مدیرعامل می باشد. در این پژوهش برای اندازه گیری خودشیفتگی مدیرعامل، مشابه با پژوهش چارلس هام و همکاران (۲۰۱۷) از اندازه امضای مدیران در صورت های مالی سالانه حسابرسی شده استفاده می شود. به این صورت که ابتدا چهارضلعی دور امضای مدیرعامل کشیده می شود به طوری که اضلاع چهارضلعی با رئوس امضا تماس پیدا نماید سپس مساحت چهارضلعی به عنوان اندازه امضای مدیرعامل محاسبه می شود.

ACEXP ✓

ACEXP تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی است. در این تحقیق تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی از طریق نسبت اعضای دارای تخصص مالی به تعداد کل اعضای در شرکت i در سال t اندازه گیری می شود.

SIZE ✓

اندازه شرکت که برابر با لگاریتم کل داراییها می باشد.

LEV ✓

اهرم مالی که از طریق تقسیم جمع بدهی بر کل داراییها به دست می آید.

TENURE ✓

تعداد سالهای تصدی مدیرعامل در شرکت.

MTB ✓

نسبت ارزش بازار شرکت (قیمت پایانی سهم در بورس در آخر سال مالی شرکت) به ارزش دفتری شرکت

یافته های پژوهش**آمار توصیفی**

در نگاره ۱ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق ارائه شده است. آمار توصیفی ارائه شده بیانگر اطلاعاتی در مورد پارامترهای مرکزی (میانگین و میانه) و پارامترهای پراکندگی (انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، ماکزیمم و مینیمم) متغیرهای تحقیق می باشد. با توجه به جدول مشاهده می شود که متغیر خودشیفتگی مدیرعامل با انحراف معیار ۳/۹۵ دارای بیشترین پراکندگی و متغیر مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های اختیاری غیرعادی با انحراف معیار ۰/۰۲ دارای کمترین پراکندگی می باشد.

طبق شواهد بدست آمده متغیرهای مدیریت سود واقعی از طریق جریان های نقدی غیرعادی، مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های اختیاری غیرعادی، خودشیفتگی مدیرعامل، اندازه شرکت، دوره تصدی مدیرعامل، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت دارای

چولگی مثبت و بقیه متغیرهای تحقیق دارای چولگی منفی می‌باشند. همچنین همه متغیرها دارای کشیدگی مثبت می‌باشند.

نگاره ی ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	کمیته	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	میانه	چولگی	کشیدگی
مدیریت سود واقعی از طریق جریان های نقدی غیرعادی	-۰.۱۶	۰.۱۷	۰.۰۰	۰.۰۹	۰.۰۰	۰.۱۱	۲.۳۴
مدیریت سود واقعی از طریق تولید غیرعادی	-۰.۲۱	۰.۱۷	۰.۰۰	۰.۱۰	۰.۰۰	-۰.۳۳	۲.۷۸
مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های اختیاری غیرعادی	-۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۰	۰.۰۲	۰.۰۰	۰.۵۲	۲.۹۸
خودشیفتگی مدیرعامل (اندازه امضای مدیرعامل)	۰.۵۰	۱۸.۰۰	۶.۲۰	۳.۳۵	۵.۵۰	۱.۰۳	۳.۹۵
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	۰.۶۷	۱.۰۰	۰.۸۹	۰.۱۵	۱.۰۰	-۰.۷۱	۱.۵۴
اندازه شرکت	۵.۴۱	۷.۸۲	۶.۳۶	۰.۶۳	۶.۲۱	۰.۸۶	۳.۱۵
اهرم مالی	۰.۲۳	۰.۸۸	۰.۵۷	۰.۱۸	۰.۵۸	-۰.۲۰	۲.۱۸
دوره تصدی مدیرعامل	۱.۰۰	۷.۰۰	۲.۷۹	۱.۸۷	۲.۰۰	۰.۹۵	۲.۸۰
ارزش بازار به به ارزش دفتری شرکت	۰.۸۱	۶.۴۷	۲.۹۶	۱.۵۹	۲.۶۲	۰.۷۲	۲.۶۲
تعداد مشاهده	۶۴۲						

آمار استنباطی

آزمون اف لیمر

قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش اقدام به بررسی تصمیم‌گیری درخصوص استفاده از مدل اثرات مقید(داده های یکپارچه) و یا استفاده از داده های غیرمقید(تابلویی) در داده‌های ترکیبی با استفاده از آزمون اف - لیمر می‌کنیم:

نگاره ۲: یافته های حاصل از آزمون اف - لیمر

فرض صفر	مدل آزمون	متغیر وابسته مدل	آماره آزمون	سطح معنی داری
عرض از مبدا کلیه مقاطع باهم یکسان است	فرضیه ۱	مدیریت سود واقعی از طریق جریان های نقدی غیرعادی	۱.۳۰	۰.۰۳
	فرضیه ۲	مدیریت سود واقعی از طریق تولید غیرعادی	۳.۹۱	۰
	فرضیه ۳	مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های اختیاری غیرعادی	۳.۹۰	۰

باتوجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون اف - لیمر عرض از مبدا کلیه مقاطع با هم یکسان نبوده، بنابراین استفاده از روش داده های تابلویی برای مدل فرضیه های پژوهش مناسب است.

آزمون هاسمن

بعد از انتخاب روش داده های تابلویی با آزمون اف - لیمر، از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی استفاده می کنیم.

نگاره ۳: یافته های حاصل از آزمون هاسمن

فرض صفر	مدل آزمون	متغیر وابسته مدل	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
تفاوت در ضرایب نظام مند نیست.	فرضیه ۱	مدیریت سود واقعی از طریق جریان های نقدی غیرعادی	۵.۶۱	۰.۵۸	پذیرش (اثرات تصادفی)
	فرضیه ۲	مدیریت سود واقعی از طریق تولید غیرعادی	۲۰.۶۶	۰.۰۰۴	عدم پذیرش (اثرات ثابت)
	فرضیه ۳	مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های اختیاری غیرعادی	۶.۷۰	۰.۴۶	پذیرش (اثرات تصادفی)

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون هاسمن استفاده از اثرات ثابت و تصادفی در جدول ارائه شده است.

آزمون هم خطی بین متغیرهای تحقیق

همخطی یا عدم همخطی، بررسی همبستگی بین متغیرهای تحقیق است. در صورتیکه همبستگی بین متغیرهای مستقل شدید نباشد، مشکل همخطی پیش نمی آید. در این مطالعه بررسی رابطه همخطی بین متغیرهای تحقیق با بهره گیری از آزمون عامل تورم واریانس انجام شده است. خروجی که بیانگر وجود یا عدم وجود هم خطی بین متغیرهای تحقیق است، در نگاره ۴ ارائه شده است.

نگاره ۴: بررسی هم خطی بین متغیرها

متغیرها	تورم واریانس
خودشیفتگی مدیرعامل	۸.۰۰۸
خودشیفتگی مدیرعامل * تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	۹.۰۰۱
استقلال اعضای کمیته حسابرسی	۱.۸۵
اندازه شرکت	۱.۰۶
اهرم مالی	۱.۰۵
دوره تصدی مدیرعامل	۱.۰۱
ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت	۱.۰۶

با توجه به جدول ۴ نتایج نشان می‌دهد که عامل تورم واریانس کمتر از ۱۰ می‌باشد که نشان‌دهنده عدم وجود همبستگی چندگانه (همخطی چندگانه) بین متغیرهای مستقل است.

آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطاها

آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطا برای تشخیص ناهمسانی واریانس انجام می‌شود. فرض صفر و فرض مقابل آن به شرح زیر است:

H0: واریانس جمله خطا (پسماندها)، ثابت است (عدم وجود واریانس ناهمسانی)

H1: واریانس جمله خطا (پسماندها)، ثابت نیست (وجود واریانس ناهمسانی)

نگاره ۵: نتایج حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جمله‌ی خطا

مدل آزمون	متغیر وابسته مدل	اماره آزمون	سطح معنی داری
فرضیه ۱	مدیریت سود واقعی از طریق جریان‌های نقدی غیرعادی	۱.۲۲	۰.۲۸
فرضیه ۲	مدیریت سود واقعی از طریق تولید غیرعادی	۱.۱۱	۰.۳۵
فرضیه ۳	مدیریت سود واقعی از طریق هزینه‌های اختیاری غیرعادی	۱.۷۴	۰.۰۹۴

با توجه به یافته‌های حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطا (پسماندها) که سطح معنی‌داری مربوطه بیشتر از ۵٪ است، فرضیه صفر مبنی بر ثابت بودن واریانس پسماندها پذیرفته می‌شود.

نگاره ۶: نتایج برازش مدل مربوط به فرضیه اول

متغیرها	ضریب متغیر توضیحی	انحراف معیار	احتمال آماره
NARCS	-۰.۰۰۳	۰.۰۰۲۷	۰.۱۷
ACEXP*NARCS	۰.۰۴۲	۰.۰۳۶	۰.۲۵
ACEXP	-۰.۰۰۳	۰.۰۰۲	۰.۸۹
SIZE	۰.۰۰۶۵	۰.۰۰۵۶	۰.۲۴
LEV	-۰.۰۹۵	۰.۰۱۸	۰
TENURE	-۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۵۲
MTB	۰.۰۰۷	۰.۰۰۲۰	۰.۰۰۰۵
مقدار ثابت	-۰.۰۰۰۶	۰.۰۴۴	۰.۹۸
ضریب تعیین مدل	۰.۰۵۳		
F آماره	۵.۱۶		
F احتمال آماره	۰.۰۰۰۰۱		
آماره دورین واتسون	۱.۹۷		

نتایج نگاره ۶ نشان می‌دهد که بین متغیر تعدیلگر خودشیفتگی مدیرعامل در تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (NARCS*ACEXP) و مدیریت سود واقعی از طریق جریانهای غیرعادی نقدی ارتباط مثبت وجود دارد که این ارتباط از لحاظ آماری باتوجه به احتمال آماره آن که بیشتر از سطح خطای 5 درصد می‌باشد، معنی‌دار نمی‌باشد. به بیان دیگر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی نقشی بر رابطه میان خودشیفتگی مدیرعامل و مدیریت سود واقعی از طریق جریانهای نقدی غیرعادی ندارد.

نتایج نگاره ۷ نشان می‌دهد که بین متغیر تعدیلگر خودشیفتگی مدیرعامل در تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (NARCS*ACEXP) و مدیریت سود واقعی از طریق تولید غیرعادی ارتباط منفی وجود دارد که این ارتباط از لحاظ آماری باتوجه به احتمال آماره آن که بیشتر از سطح خطای 5 درصد می‌باشد، معنی‌دار نمی‌باشد. به بیان دیگر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی نقشی بر رابطه میان خودشیفتگی مدیرعامل و مدیریت سود واقعی از طریق تولید غیرعادی ندارد.

نگاره ۷: نتایج برازش مدل مربوط به فرضیه دوم

متغیرها	ضریب متغیر توضیحی	انحراف معیار	احتمال آماره
NARCS	۰.۰۰۲۵	۰.۰۰۳	۰.۴
ACEXP*NARCS	-۰.۰۰۲۸	۰.۰۰۴	۰.۵۰
ACEXP	۰.۰۰۶	۰.۰۰۳	۰.۰۹
SIZE	-۰.۰۰۲	۰.۰۰۲	۰.۲
LEV	۰.۰۰۹	۰.۰۰۳	۰.۰۰۶
TENURE	۰.۰۰۴	۰.۰۰۱	۰.۰۱۹
MTB	-۰.۰۰۱۸	۰.۰۰۲	۰.۴۱
مقدار ثابت	۰.۰۰۶	۰.۱۴	۰.۶۷
ضریب تعیین مدل	۰.۴۸		
F آماره	۴.۳۷		
F احتمال آماره	۰		
آماره دورین واتسون	۱.۶۹		

نگاره ۸: نتایج برازش مدل مربوط به فرضیه سوم

متغیرها	ضریب متغیر توضیحی	انحراف معیار	احتمال آماره
NARCS	-۰.۰۰۰۸	۰.۰۰۰۵	۰.۱۳
ACEXP*NARCS	۰.۰۰۳۳	۰.۰۰۷	۰.۶۵
ACEXP	-۰.۰۰۳	۰.۰۰۶	۰.۶۰
SIZE	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۳۰.۳
LEV	-۰.۰۰۶	۰.۰۰۴۶	۰.۱۳
TENURE	-۰.۰۰۰۸	۰.۰۰۰۳	۰.۰۱
MTB	-۰.۰۰۰۴	۰.۰۰۰۴	۰.۲۹
مقدار ثابت	-۰.۰۰۰۴	۰.۰۱۱	۰.۹۶
ضریب تعیین مدل	۰.۴۸		
F آماره	۴.۳۷		
F احتمال آماره	۰		
آماره دورین واتسون	۱.۶۹		

نتایج نگاره ۸ نشان می‌دهد که بین متغیر تعدیلگر خودشیفتگی مدیرعامل در تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (NARCS*ACEXP) و مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های اختیاری غیرعادی ارتباط مثبت وجود دارد که این ارتباط از لحاظ آماری باتوجه به احتمال آماره آن که بیشتر از سطح خطای 5 درصد می‌باشد، معنی‌دار نمی‌باشد. به عبارت دیگر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی نقشی بر رابطه میان خودشیفتگی مدیرعامل و مدیریت سود واقعی از طریق هزینه های اختیاری غیرعادی ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی نقش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه میان خودشیفتگی مدیرعامل و مدیریت سود واقعی پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی نقشی بر رابطه میان خودشیفتگی مدیرعامل و مدیریت سود واقعی از طرق جریان‌ات نقدی غیرعادی، تولید غیرعادی و هزینه های اختیاری غیرعادی ندارد. به عبارت دیگر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی نمی‌تواند بر کاهش و یا افزایش انگیزه مدیران عامل خودشیفته در استفاده از مدیریت سود واقعی تاثیری بگذارد. این موضوع خلاف این دیدگاه می‌باشد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با کنترل اقدامات مدیریت می‌تواند منجر به افزایش اثربخشی و بهره‌وری در وضعیت مالی شرکت شود.

این یافته با نتایج سوسانتو (۲۰۱۴) مطابقت دارد. او یافت نمود، تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی ارتباط معنی‌داری بر مدیریت سود ندارد. پژوهش او بیان نمود که وجود تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی تنها در جهت رعایت الزام قانونی صورت می‌پذیرد. با توجه به نتایج مذکور به سازمان بورس پیشنهاد می‌گردد جهت اثر بخشی بیشتر ویژگی تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر وضعیت مالی شرکت معیارهای دقیقتری جهت تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی وضع نماید و بر اجرای دقیق آن توسط شرکت‌ها نظارت موثرتری داشته باشد. همچنین به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد صرفاً تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی را جهت ارزیابی مطلوبیت اطلاعات مالی شرکت در تصمیم‌گیری‌های خود در نظر نگیرند.

یکی از محدودیتهای این تحقیق سنجش دقیق ویژگی شخصیتی خودشیفتگی می‌باشد. در این تحقیق برای سنجش خودشیفتگی از مساحت اندازه امضای مدیرعامل استفاده شده است. به علاقه‌مندان پژوهشهای پیمایشی و آزمایشی پیشنهاد میشود برای اندازه‌گیری خودشیفتگی، از سایر معیارهای موجود از جمله پرسشنامه NPI، محتوای تحلیلی عکس مدیران و نسبت پاداش مدیران بر حقوق و دستمزد کارکنان استفاده کنند. همچنین جهت پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود نقش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر سایر ویژگی‌های شخصیتی مالی سنجیده شود.

منابع

- تأیید نقدری، امیر حسین. صادقی، مسعود. (۱۳۹۷). کمیته حسابرسی و اتروپی صورت های مالی، پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۲، ۱۷۰-۱۴۳.
- حسنی، محمد. ذیقمی، الناز. (۱۳۹۴). شواهدی تجربی از رابطه بین بیش اطمینانی و بیش سرمایه گذاری. فصلنامه بورس اوراق بهادار. ۹۲، زمستان ۳۴.
- خواجوی، شکرالله. دهقانی سعدی، علی اصغر. روستا، منوچهر. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیل کنندگی خودشیفتگی مدیران در تبیین رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۹، ۵۷-۷۷.
- سپاسی، سحر. کاظم پور، مرتضی. (۱۳۹۴). تأثیر وجود کمیته حسابرسی و واحد حسابرس داخلی بر هموار سازی سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوماهنامه حسابرسان داخلی، ۶-۵.
- عبدلی، محمدرضا. امیری اسفندقه، ملیحه. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین اطمینان بیش از حد مدیران و پیشبینی سود مدیریت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار. ۹۵، پائیز ۳۵.
- فخاری، حسین. رضایی، یاسر. (۱۳۹۷). تأثیر کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت، حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۶)، ۷۹-۶۳.
- قلی پور، آرین. خنیفر، حسین. فاخری کوزه کنان، سمیرا. (۱۳۸۷). اثرات خودشیفتگی مدیران بر آشفتگی سازمانها، مدیریت فرهنگ سازمانی، ۶، ۷۹-۹۳.
- نادری نیری، ناصر. معین الدین، محمود. میرمحمدی صدرآبادی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوماهنامه حسابرسان داخلی، ۳، ۶۱-۷۴.
- نوبین نام، غلام عباس. شکرکن، حسین. مهرابی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۰). بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و سبک های رهبری مدیران، علوم تربیتی و روانشناسی، ۳(۴-۳)، ۸۷-۱۰۶.
- Abdoli, Mohammad Reza, Amiri Esfahdah, Maliha. (2017). Investigating the relationship between managers' overconfidence and management profit forecasting in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly of the stock exchange*, 35, Fall 95. (In Persian).
- Abdullah, N. M., Wan Hussin, W. N. (2015). Related party transactions, audit committees and real earnings management: the moderating impact of family ownership. *Advanced Science Letters*, 21(6), 2033-2037.
- Amernic, J., Craig, R. & Tourism, D. (2010). Measuring and Assessing Tone at the Top Using Annual Report CEO Letters. Edinburgh: *The Institute of Chartered Accountants of Scotland*.
- Chatterjee, A., Hambrick, D. C. (2011). Executive personality, capability cues, and risk taking: how Narcissistic CEOs react to their successes and stumbles. *Administrative Science Quarterly*, 56, 202-237.
- Fakhari, H., Y. Rezaei. (2018). Impact of Audit committee on the Companies Information Environment. *Management Accounting*, 36, 63-79. (in Persian).

- Garven, S. (2015). The effects of board and audit committee characteristics on real earnings management: do boards and audit committees play a role in its promotion or constraint? *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 19(1), 67–85.
- Gholipor, A., H. Khanifar & S. Fakheri Koozeh kanan.(2009). Effects of manager's narcissism on organizational disturbance. *Organizational Culture Management*, 6, 79-93.(in Persian).
- Hassani, M., A. Dhiqami. (2015). Empirical evidence of the relationship between overconfidence and overinvestment. *Quarterly of the stock exchange*, 32, Winter 94. (In Persian).
- Judd, J. S., Olsen, K. J. &Stekelberg, J. M. (2015). CEO Narcissism, Accounting Quality, and External Audit Fees. Working Paper, <http://ssrn.com/abstract=2605172>.
- Khajavi, SH., A. Sadi Dehqani & M. Roosta. (2018). Investigating the moderating role of managers' narcissism in explaining the relationship between social responsibility and financial performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Reseach*, 39, 57-77. (in Persian).
- Kibiya, M., Ahmad,A. & Amran, N .(2016). Audit committee independence, financial expertise, share ownership and financial reporting quality:Furthe r evidence from Nigeria, *International Journal of Economics and Financial* . 6:7,pp. 125-131.
- Naderinia, N., M. Moeinoddin & M. Mirmohammadi Sadr Abadi.(2015). Investigating the relationship between internal audit, audit committee and profit management in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Internal Auditors*, 3, 61-74. (in Persian).
- Neal, Terry .(2006). Audit committee composition and auditor reporting. *The Accounting Review*, 75 (4):136-197.
- Norberg, P. (2009). I don't care that people don't like what I do. *Journal of Business Ethics*, 86 (2), 211-225.
- Novinnam, G.A., H. Shokrkon & M. Meharbizadeh Honarmand. (2002). Investigating the relationship between personality traits and leadership styles of managers. *Journal of Educational Siences*, 3(3-4), 86-106. (in Persian).
- Olsen, K. J., Dworkis, K. K. & Young, S. M. (2014). CEO Narcissism and Accounting: A Picture of Profits. *Journal of Management Accounting Research*, 26, 243-267.
- Petrenko, O. V., Aime, F.,Ridge, J. & Hill, A. (2016). Corporate Social Responsibility or CEO Narcissism? CSR Motivations and Organizational Performance. *Strategic Management Journal*, 37 (2), 262–279.
- Rijsenbilt, A. (2011). CEO narcissism, ERIM PhD Series in Research in Management, ERIM reference number: EPS-2011-238-STR. Retrieved on June 15, 2012 from <http://repub.eur.nl/res/pub/23554/>
- Rijsenbilt, A., H. Commandeur. (2013). Narcissus Enters the Courtroom: CEO Narcissism and Fraud. *Journal of Business Ethics*, 117 (2), 413-429.
- Sepasi, S., M. Kazempour.(2015). The effect of the existence of the audit committee and internal audit unit on smoothing the profit in listed companies. *Internal Auditors*, 5-6. (in Persian).

- Susanto, Yulius Kurnia. (2014). Audit Committees and Earnings Management: Evidence From Indonesia Manufacturing Industry. Paper presented at International Conference on Entrepreneurship and Business Management (ICEBM 2014), Penang, Malaysia, November 6-7.
- Taei Noghandari, A., M. Sadeghi.(2018). Audit Committee and Entropy of financial Statements. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 12, 143-170. (in Persian).
- Zebedee, A., Marquez-Illescas, G. & Zhou, L. (2018). Does CEO Narcissism Afect Disclosure. *Journal of Business Ethics*, 1–17.

COPYRIGHTS



© 2022 Securities and Exchange Organization, Tehran, Iran. This license lets others remix, tweak, and build upon your work non-commercially, and although their new works must also acknowledge you and be non-commercial, they don't have to license their derivative works on the same terms.